



گفت‌وگو با دکتر فخری شهیدی، که عنوان استاد نمونه کشور و چندین دوره پژوهشگر برتر را در کارنامه دارد

سایه‌ای مادرانه برای دانشجو

۱۳۸

شهربانو



۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۸۳۳ روزنامه شهرآرا

۲شنبه ۲۱ ۰۹ ۱۴۰۱

بانوان فن‌آور

گزارشی از حضور زنان پژوهشگر در نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری

نیم‌رخ هنر هفتم

سینمای ایران برای همیشه مدیون نادیده گرفتن بانوان شاخص خواهد بود

۳

۷



هدایت جنبش‌های زنانه



شکل گرفته در طول تاریخ از جمله دوران معاصر ایران توسط نخبگان و نظریه‌پردازان حوزه زن و خانواده که نگاهی عمیق به مسئله انسانی جایگاه زنان دارند، در راستای کسب یک هویت والا هدایت شوند رنگ و بوی مطالبات آنان هم نه تنها همسو با فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی می‌گردد بلکه منجر به اصلاح ساختارهای عرفی و قانونی خواهد شد که به واسطه رسوم منحرف شده به باور و ساختار عمومی تبدیل شده است.

اهمیت هدایتگری دقیقاً همین است که یک جنبش را به سمتی ببرد که ساختار غلط را اصلاح کند و باید مراقب بود که سلايق فردی و حزبی روی منافع جمعی و عقلایی پرده نیفکند و مطالبه و خواسته عبث گروهی به جای رشد افراد جامعه از جمله بانوان منجر به سوق دادن آنان به لبه پرتگاه انحطاط اخلاقی و تمدن‌گریزی نگردد. در دورانی که به واسطه فضای مجازی و ایجاد شایعات روایت‌های حقیقی پنهان می‌ماند، کار نخبگان و خواص جنبش‌ها و جریانات بسیار مهم است تا بتوانند روایت صحیح را استخراج و راه صواب از ناصواب را به مطالبه‌گران این جنبش‌ها نشان دهند تا تصمیم‌سازان هم دچار خطای محاسباتی نشوند و در پس این مطالبات همیشه اصلاح نگرش‌ها مدنظر قرار بگیرد.

مطالبات بانوان و جریان‌های زنانه ایرانی در دوران حاضر به عنوان افراد نقش‌آفرین در دل خانواده‌ها می‌تواند بر سرنوشت جمعی کل جامعه اثرگذار باشد. جامعه‌ای مثل ایران که دارای کانون‌های قوی اجتماعی همچون نهاد خانواده است، می‌تواند با یک هدایتگری به‌هنگام و مناسب از دل مطالبات و خواسته‌های بانوان، نشاط آنان را افزایش داده و موجب ارتقای اندیشه خانواده‌ها شود که در نتیجه، به ارتقای فرهنگی و بنیادی کل جامعه بینجامد.

با توجه به تحولات صدساله جهان در شئون گوناگون زندگی بشر، خواسته‌ها و نیازهای بانوان هم دچار تحول و دگرگونی شده است. از این رو، باید مطالبات و جنبش‌های زنانه در ادوار و اعصار گوناگون را با توجه به اقتضائات و شرایط خاص آن دوره مورد بررسی قرار داد که این شرایط از کشوری به کشور دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت‌های زیادی دارد.

اینکه بگوییم در دهکده جهانی که تکنولوژی صنعت حرف اول را می‌زند همه ملت‌ها باید یکسان باشند و جنبش‌های زنانه و خواسته‌های آنان هم از این همسان‌گرایی ناگریزند، ناشی از فهم اشتباه از مفهوم انسانیت و حقوق بشر است زیرا انسان‌ها به اندازه فهم بشر می‌توانند برای خود خواسته و نیاز تعریف و حقی را مطالبه کنند.

کارکرد فرهنگ اینجا مشخص می‌شود که به کمک اقتضائات روز می‌رود و به مردم مدد می‌رساند تا برای داشتن هویت مستقل چگونه مطالبه داشته باشند و اگر آن فرهنگ خلاف مسیر آن کشور باشد، بسیاری از افراد در نیمه راه از آن عقب‌نشینی می‌کنند که نمود آن را به‌وضوح می‌توانیم در جنبش‌های زنانه در جهان و به‌خصوص جریانات فمینیستی غرب مشاهده کنیم.

وقتی دقیق‌تر به این جنبش‌ها می‌نگریم متوجه می‌شویم که اگر فرهنگ ملت‌ها به کمک آنان نرود و درستی و نادرستی مطالبات چنین جنبش‌هایی را به آنان گوشزد نکند، ممکن است پس از کسب یک تجربه تلخ دوباره شرایط قبل از آن مطالبه را طلب کنند. این یعنی تلف شدن سرمایه‌ها و ائتلاف انرژی یک ملت که می‌توانسته است با یک هدایتگری صحیح از سوی نخبگان و خواص از آن جلوگیری شود. به همین علت، اگر جنبش‌های زنانه



انسان‌های خردمند از کمترین بهانه برای زندگی لذت می‌برند

«علم بهتر است یا ثروت؟» این سؤال به‌ظاهر ساده و تکراری عمری بسیار طولانی دارد. شاید بسیاری از ما براساس تجربیات روزمره‌مان، با توجه به شرایط اقتصادی موجود و هم‌چنین نوعی مهجور واقع شدن علم و صاحبان آن در جامعه، در دل خود، ثروت را به علم ترجیح دهیم اما شأن والای ذاتی علم و دانش سبب می‌شود دست‌کم در بیان، علم را ارجح بدانیم. حال باید دید واقعا کدام یک می‌تواند بر دیگری برتری داشته باشد و این ارجحیت در چه زمینه‌هایی کارساز است.

والدین عموماً فرزندان خود را به کسب دانش و ادامه تحصیلات عالی تشویق و تا حدودی وادار می‌کنند و عبارت معروف «خوب درس بخوان تا سری میان سرها در بیاوری!» بیانگر این نکته است که هنوز دانش در میان ما ایرانیان جایگاه معنوی خود را حفظ کرده است. آمار بالای تحصیلات تکمیلی در ایران به‌خوبی گویای این مدعاست.

شاید ایجاد تقابل میان علم و ثروت، سؤالی شبیه همان پرسش برخی دوستان و اقوام از کودکان باشد که پدر را بیشتر دوست داری یا مادر. درحقیقت، این سؤال از ریشه اشتباه است و فرزندان هرگز نمی‌توانند میان این دو یکی را انتخاب کنند. علم لازمه پیشرفت و توسعه است اما دانستن اینکه چه دانشی در چه زمان و مکانی می‌تواند ما را به خواسته‌هایمان برساند، نخستین علمی است که باید به آن دست پیدا کنیم. رسیدن به دلایل اینکه چرا درآمد ما کم است یا قادر به افزایش آن در طول دوره‌های مختلف زندگی خود نبوده‌ایم اولین گام علمی رسیدن به ثروت است. در بسیاری از مواقع، اعتبار جایگزین بسیار مناسبی برای پول است زیرا نه تنها می‌تواند عاملی برای کسب و افزایش ثروت باشد بلکه اگر اعتبار از طریق علم و خرد به‌وجود بیاید، می‌توان گفت علم بهتر از پول و به‌خودی خود یک ثروت معنوی ارزشمند است.

این روزها مشکلات اقتصادی بسیاری از ما را به این نتیجه رسانده است که همه خوشی و خوشبختی انسان‌ها در پول دار بودن خلاصه می‌شود. البته قطعاً با پول می‌توانیم زندگی شادتری داشته باشیم اما با دقت در زندگی افراد ثروتمند، می‌بینیم بسیاری از آن‌ها حتی با وجود پول زیاد هم شاد نیستند! دلیل این مسئله به‌یقین به این موضوع برمی‌گردد که ذهن ما چطور احساس خوشبختی را در ما به‌وجود می‌آورد و تا زمانی که انسان علم و خرد لذت بردن از زندگی را نداشته باشد، نمی‌تواند حتی از بیشترین ثروت هم لذت ببرد. این در حالی است که انسان‌های خردمند حتی از یک زندگی عادی هم لذت می‌برند و قادرند از کوچک‌ترین بهانه‌ها حس خوبی به‌دست بیاورند. بنابراین می‌توانیم بگوییم در این زمینه هم اهمیت علم بیشتر از ثروت است.

از سوی دیگر، در روزگار کنونی و جهانی که به‌واسطه دانش ارتباطات به دهکده‌ای کوچک می‌ماند، ثروتمندترین افراد دنیا مانند ایلان ماسک معروف (بنیان‌گذار، مدیرعامل و مهندس ارشد اسپیس‌اکس و سرمایه‌گذار، مدیرعامل و طراح محصولات تسلا) را صاحب بیشترین و توسعه‌یافته‌ترین علوم روز می‌بینیم که اهمیت دانش در رسیدن به ثروت را بیش از پیش برایمان روشن می‌کند. در مجموع، همه ما از اهمیت پول در زندگی مان باخبریم و خلاصه کلام این است که اگر می‌خواهیم طعم ثروت را در زندگی بچشیم، باید درباره مفاهیم مالی و علم ارتباطات، دانش کافی و به‌روزی داشته باشیم و آنچه در مسیر کسب علم نیز برای فرزندانمان هزینه می‌کنیم بر پایه همین آگاهی‌ها باشد.



شهربانو

۲۱ آذر ۱۴۰۱
۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۴
شماره ۲۸۳۳

(۲)

بانوان فن‌آور

گزارشی از حضور زنان پژوهشگر در نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری

پژوهش، فناوری، نوآوری و خلاقیت از آن دست رشته‌ها و حوزه‌های تخصصی هستند که درک آن اگرچه عمومی نیست، محصول و خروجی آن برای جامعه‌ای خاص یا حتی عموم مردم می‌تواند مفید باشد. به عبارتی دیگر، شناسایی، معرفی، تشویق و حمایت از پژوهشگران نه تنها در حوزه علم و شناسایی سهم تولیدات علمی تأثیر دارد بلکه در پیشبرد جامعه ایرانی و حرکت علمی مبنی بر مطالعات و تحقیقات نقش بسزایی دارد، تأثیری که در خروجی‌ها و نمایشگاه‌ها غالباً می‌توان آن را دید و بعدتر اگر حمایتی باشد، در جامعه به رشد خواهد رسید.

زنانی با یافته‌های علمی

آذرماه امسال هم‌زمان با شروع فصل سرما در مشهد، نمایشگاهی از دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن‌بازار در نمایشگاه بین‌المللی مشهد



برگزار شد که توانست جمعی از مخترعان و مبتکران را گرد هم بیاورد تا یافته‌های خود را به نمایش بگذارند. در این میان، حضور زنان خلاق و پژوهشگر با یافته‌های علمی خود باعث افتخار برای جامعه



نوآوری در مدیریت انرژی

کارشان مدیریت مصرف است. طرحی نو در انداخته‌اند تا سهمی در گسترش فناوری با ارائه راه‌حل‌های کاربردی در بهبود عملکرد سیستم‌ها و حفاظت از محیط زیست داشته باشند. مریم سرگامی عهده‌دار ریاست هیئت رئیسه این شرکت است، شرکتی به نام «آرئید» که از



خلق نوترکیب‌های درمانی

اطراف این غرفه همیشه بازدیدکننده هست. محصولات آن قدر جذاب و کاربردی است که

پژوهش‌هایی که نیازمند حمایت است

در این نمایشگاه، شرکت‌های خلاق و نوآور دیگری که زنان بانی طرحی نو بوده‌اند بسیاریند. «مدرسه خلاقیت و نوآوری پایتون تیک» که مدیرعامل آن دکتر دنیا حیدری است و در دوره‌ها و کارگاه‌های مختلف به دانش‌آموزان مهارت‌هایی از قبیل کار تیمی، کنترل پروژه و مدیریت زمان را آموزش می‌دهد یا «شرکت فنی مهندسی بسپار پایش پارس» که در حوزه پلیمر فعالیت می‌کند و دکتر



لیلا جان‌قربان خبرنگار



شهربانو

آشنیه
۲۱ آذر ۱۴۰۱
۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۴
شماره ۳۸۳۳

(۳)

«خورشید»

تخصصی دستگاه ایرکاندیشن (تهویه مطبوع) زیر صفر و بالی صفر است.

خانم سرگامی که کارشناس ارشد مدیریت صنعتی و عضو بنیاد نخبگان ایران است درباره سختی‌های کارهای پژوهشی برای زنان می‌گوید: کار در این حوزه برای خانم‌ها سخت است. با سیستم‌های عظیمی سروکار داریم که با روحیات ما سازگار نیست. من برای حل این مشکل با همسر و یکی از دوستان کار را پیش می‌برم. برنامه‌نویسی و پشتیبانی با من و کارهای تنظیم و تشریفات با آن‌هاست.

این مجموعه تاکنون پروژه‌هایی را در اورژانس عدالتیان، پدیده شاندیز، استانداری و شهرداری اجرا کرده و در دیگر کشورها مانند ترکیه پروژه برون‌مرزی داشته است.

که مادرم در اثر سرطان فوت کرد، متوجه شدم که به دلیل ضعف سیستم ایمنی بدن، داروها چندان تأثیری روی بدن بیمار ندارند. برای همین، به دنبال تولید داروهای نوترکیبی رفتم که سیستم ایمنی را در مقابل این بیماری‌ها تقویت کند. تولیدات او محصولات نوترکیب برای درمان و حفاظت پوست، پماد نوترکیب ضد درد و التهاب، چسب زخم نوترکیب برای درمان بیماری پارونیشیا و سایر بیماری‌های عفونت انگشتی و طراحی و تولید پروتئین نوترکیب تقویت سیستم ایمنی و تشخیص زودهنگام سرطان است.

سبک و قابل رقابت با نمونه‌های خارجی تولید می‌کند و صدها مجموعه دیگر که چه با مدیریت زنان چه با حضور آنان در کنار مردانی که آن‌ها نیز نگاهی علمی و نوآورانه داشته‌اند به دنبال راه حلی برای مشکلات جامعه بوده‌اند. به گفته بسیاری از پژوهشگران، این نگاه نیازمند تأمین هزینه و حمایت متولیان است تا رشد کند و تأثیر خود را بر بهبود عملکرد دستگاه‌ها بگذارد.



سایه‌ای مادرانه برای دانشجو

گفت‌وگو با دکتر فخری شهیدی، که عنوان استاد نمونه کشور و چندین دوره پژوهشگر برتر را در کارنامه دارد

روی در اتاقش در طبقه دوم ساختمان صنایع غذایی دانشگاه فردوسی شماره مستقیم تماسش را نوشته است تا اگر کسی کاری داشت معطل نشود. به دانشجویان گفته که می‌توانند تا ساعت ۱۲ شب با او تماس بگیرند. استاد نمونه کشوری که جزو اولین ورودی‌های رشته صنایع غذایی در کشور است، حالا خود صدها دانشجو تربیت کرده که تعدادشان را به خاطر ندارد، دانشجویایی که تعداد زیادی از آن‌ها این روزها برای خودشان استاد یکی از دانشگاه‌ها یا مراکز پژوهشی کشور شده‌اند و مسئولانی که در دولت یا صنعت غذای کشور به کار اشتغال دارند اما این افراد حق بزرگ‌تری را در خاطر سپرده‌اند و از کنار و گوشه کشور برای دیدن بانو فخری شهیدی، استاد خوش‌نام و خوش‌آوازه به مشهد می‌آیند. کارنامه چهل‌وسه‌ساله کاری‌اش مملو از افتخارات و عناوین مختلف پژوهشی است. این بانوی فرهیخته سه مرتبه برای ادامه تحصیل و فرصت مطالعاتی به کانادا و دوبار به ایالات متحده آمریکا رفته اما هر مرتبه به علت علاقه به ایران و دانشجویان به مشهد برمی‌گردد و معتقد است دانشگاه خانه‌اش است.



حمیده وحیدی

پدرم به ارزش علم اعتقاد داشت

بانو فخری شهیدی در سال ۱۳۳۵ در تربت حیدریه متولد شد. پدرش کارمند ثبت‌احوال بود و مادرش خانه‌دار اما در خانواده مذهبی آن‌ها علاقه به علم و تشویق دختران هرگز کم‌رنگ نبود. او و چهار خواهر دیگر با حمایت مستقیم خانواده در رشته‌های مختلف تحصیل کردند تا جایی که وقتی بانو شهیدی در سال ۵۴ در رشته‌ای که تازه در دانشگاه فردوسی مشهد راه‌اندازی شده بود پذیرفته شد، خانواده دست از حمایتش برنداشتند و برای زندگی به مشهد آمدند. «ما در شهرستانی کوچک زندگی می‌کردیم اما این دلیلی نبود که جلو تحصیلمان گرفته شود. حتی بعدها که دیرتر از موعد ازدواج دخترهای هم‌سن‌وسالم به خانه بخت رفتیم، پدرم یا دیگران می‌گفتند که او با دانشگاه و درس ازدواج کرده است! بنابراین سایه حمایت خانواده رانمی‌توان در پیدا

کردن مسیر روشن نادیده گرفت. البته من از آنجایی که به درس خواندن علاقه داشتم همان زمان می‌توانستم در رشته‌هایی مثل دندانپزشکی یا داروسازی هم ادامه تحصیل بدهم. با این حال، صنایع غذایی را انتخاب کردم و هرگز از اینکه عمرم را در این راه گذاشتم احساس پشیمانی نکردم.»

۳۵ سال عضو ثابت هیئت علمی گروه علوم و صنایع غذایی دانشکده کشاورزی

دکتر شهیدی در سال ۵۳ در رشته زمین‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد شروع به تحصیل می‌کند، اما در سال ۵۴ دوباره در کنکور شرکت می‌کند و به عنوان یکی از دانشجویان اولین گروه مهندسی صنایع غذایی تحصیل خود را ادامه می‌دهد و قبل از انقلاب فرهنگی با رتبه اول در مقطع کارشناسی مهندسی صنایع غذایی فارغ‌التحصیل می‌شود. مقطع کارشناسی ارشد را نیز با رتبه اول از دانشگاه تربیت مدرس اخذ می‌کند و قبل از اینکه برای تحصیل در مقطع دکتری به دانشگاه مک‌گیل کانادا برود، به عضویت هیئت علمی درمی‌آید. می‌گوید: «پایه ثابت همه کلاس‌ها بودم و البته خیلی زود هم جذب کار شدم. یک سال مسئول فنی

کارخانه شه‌دیریزان (کمپوت و کنسرو) بودم، آن هم در شرایطی که هنوز برخی مشاغل برای بانوان در جامعه متداول نبود و به قولی جا نیفتاده بود. پس از آن به دعوت دانشگاه به عنوان کارشناس آموزشی در گروه علوم و صنایع غذایی به کار مشغول شدم. البته از همان سال‌ها تلاش کردم تا با ایجاد ارتباط مؤثر و مفید بین دانشگاه و صنعت به دانشجویان کمک کنم تا خیلی زود بتوانند از راه علم و تحصیل به درآمد هم برسند. به همین دلیل، این روزها خیلی از افراد را در صنعت مواد غذایی می‌بینم که روزی شاگردم بودند.»

زحمات متخصصان در زمان جنگ بسیار اهمیت داشت

بانو شهیدی که چهاردهه پایه‌یای فراز و نشیب‌ها و مشکلات در ایران همراه بوده است از تأثیر متخصصان در دهه شصت می‌گوید و اینکه در سال‌های ابتدای انقلاب و در زمان جنگ عملکرد چهره‌های علمی باید بیشتر دیده می‌شد. «من در سال‌های جنگ در پایلوت پلنت صنایع غذایی دانشگاه صبح تا شب کار می‌کردم و به همراه تیم همراه سعی

می‌کردیم مواد غذایی مختلف کنسرو شده را با آماده‌سازی در شرایط مطلوب به جبهه‌ها بفرستیم و روزانه ۱۰ هزار قوطی کنسرو را به مناطق جنگی می‌کردیم، من صبح زود دیگ بخار را روشن می‌کردم و شب‌ها آخر شب آن را خاموش می‌کردم. هم‌زمان در آنجا دانشجویان را هم آموزش می‌دادیم. آن زمان، جنگ‌زدگان در خوابگاه‌های دانشجویی اسکان داشتند که من به دلیل وضعیت کاری اکثر شب‌ها در کنار آن‌ها می‌خوابیدم و از نزدیک شاهد بودم که استادانم که چهره‌های علمی در زمان خود بودند، چه خدماتی برای کشور انجام می‌دادند.»

او در تقسیم‌بندی زمانی برای همدلی و در کنار یکدیگر بودن دهه شصت را از سال‌های دیگر مجزا می‌داند و معتقد است که جنس مردم و مسئولان در آن سال‌ها فرق داشته است و کمک‌های مردمی زیادی از طرق مختلف به جبهه‌ها ارسال می‌شده است. دانشگاه نیز در حد توان در این کمک‌ها سهیم بوده است

ارتباط بین استادان در خارج را با ایران حفظ کردم

دکتر شهیدی در سال ۱۳۶۹ با همسرش

+ دانشگاه خانه‌اش
است و هرگز خود را از این
محیط جدا نمی‌داند. بنابراین
+ سعی دارد تا مسائل داخلی
دانشجویان را با تدبیر مادرانه
حل کند



شهربانو

آشنایی
۱۴۰۱
۱۷ جمادی الاولی ۱۴۴۴
شماره ۳۸۳۳

(۵)

کشورهای پیشرفته به پژوهشگر اهمیت زیادی می‌دهند، همین علت خروج بسیاری از دانشجو شده است اما اینجا کسانی را سراغ داریم که کار تحقیقاتی را رها کرده‌اند و به شغل دیگری مشغول هستند.

+ دانشگاه همچون چراغی روشن در مسیر دختران است

قبل از انقلاب که دکتر شهیدی وارد رشته صنایع غذایی می‌شود با حضور حداقلی دختران روبه‌رو بوده است، اما این روزها بیشتر صندلی‌های دانشگاه در دست دختران است. به همین دلیل می‌گوید: «به نظر من همه چیز به خود فرد بستگی دارد. شاید من و امثال من از بهتر از هر کسی از مشکلات صنایع غذایی کشور و از وضعیت کارخانه‌ها مطلع باشیم. با این حال همیشه به دختران گفتم که نگذارید ناامیدتان کنند و یا با پیش‌بینی‌های بدون استناد مانع شما برای ادامه تحصیل و کار شوند. هر فردی خودش زندگی را می‌سازد. بنابراین زندگی که متعلق به شماست به دیگری ربطی ندارد. در قله موفقیت برای کسی که پشتکار ندارد جایی نیست.»

شما یاد می‌گیرم. بنابراین وقتی در کنار هم هستیم می‌توانیم ایران را بسازیم.»

+ ترک تحصیل دانشجو بدترین خاطره‌ام بوده است

دانشگاه خانه‌اش است و هرگز خود را از این محیط جدا نمی‌داند. بنابراین سعی دارد تا مسائل داخلی را با تدبیر مادرانه حل کند. از خاطرات تلخ زندگی‌اش ترک تحصیل دانشجو هست. «تلاش کردم این دانشجویها را تا می‌توانم مجاب کنم که درس را رها نکنند یکی از دانشجویانی که می‌خواست ترک تحصیل کند. بعد از اینکه نظرش تغییر کرد و به دانشگاه برگشت تلاشش را دو برابر کرد و هم اکنون خودش یکی از اساتید خوب دانشگاه است.»

دکتر شهیدی واسطه ازدواج تعدادی از دانشجویان هم بوده است و از اینکه توانسته برای آن‌ها مادری کند خوشحال است. معتقد است که ازدواج آگاهانه و درست هرگز با شکست مواجه نخواهد شد. اما از نگرانی‌هایش برای دانشجو عدم حمایت دولت از نخبگان و دانشجویان دکتری است و می‌گوید باید جلوگیری از مهاجرت مغزها گرفته شود. «اکثر

هنگام سلام به ایشان حتما یکی از مسائل شخصی‌شان را نسبت به زندگی روزانه‌شان نقل می‌کنند که همین نشانه ارتباط مادر فرزندی است که بین خانم شهیدی و دانشجویها موج می‌زند. «من و همسر هر دو دانشجویها را دوست داریم. برای همین خیلی از دانشجویها به خانه ما رفت و آمد دارند که البته در گذشته این ارتباط بیشتر بود. حتی بچه‌هایی بودند که برای تکمیل کار تحقیقاتی شب را هم در منزل ما می‌گذرانند. الان هم خیلی از آن‌ها از شهرستان‌های دور و نزدیک وقتی به مشهد می‌آیند حتما یک سر به دانشگاه یا منزل ما می‌زنند. من با اینکه یک فرزند دارم اما همیشه احساس کردم که هزاران دختر و پسر را در کنارم داشته‌ام.»

دکتر شهیدی گاهی دوره‌هایی با دانشجویان در دانشکده یا مرکز رفاهی دانشگاه برگزار می‌کند و ضمن صرف چای و شیرینی یا نهار تلاش دارد تا روابط صمیمانه‌تری برقرار کند تا به دل‌تنگی دانشجویان خوابگاهی و رفع مشکلات زندگی دانشجویان کمکی هرچند اندک بشود.

+ ایرانی باید کشور خودش را بسازد

با وجود داشتن فرصت‌هایی مناسب در دیگر کشورها خانم شهیدی هرگز حضور در ایران و مشهد را به هیچ کشور و دانشگاهی ترجیح نداده است و معتقد است که ایرانی باید کشور خودش را بسازد. «نزدیکانم در خارج از کشور زندگی می‌کنند اما من هرگز نخواستم وطنم را ترک کنم. راه موفقیت در هیچ کجا آسان نیست. نمی‌شود بدون تاب‌آوری به موفقیت رسید. قطعا این مسیر برای خانم‌ها سختی‌های خودش را دارد یعنی اینکه هم تحصیل کنی و هم مادر باشی و هم در جامعه فعالیت کنی مشکلات خودش را دارد. مثلا خودم در هنگام تحصیل در خارج از کشور به همین دلیل دچار افسردگی شده بودم اما تلاش کردم تا با برنامه‌ریزی و تلاش همه چیز را درست کنم. همیشه به دانشجویها گفته‌ام که من برخی از چیزها را از

ازدواج کرده و چند سالی برای تحصیل در مقطع دکتری به دانشگاه مک گیل کانادا می‌روم و پس از پایان تحصیل به کار خود در گروه علوم و صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد ادامه می‌دهم. در کارنامه علمی و پژوهشی این بانوی فرهیخته بیش از چهارده اختراع ثبت شده و پنجاه طرح پژوهشی بیش از سیصد مقاله چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی داخلی و خارجی شرکت در بیش از دویست کنفرانس علمی داخلی و خارجی تألیف و ترجمه بیش از ۲۵ کتاب مشاهده می‌شود.

دکتر شهیدی می‌گوید: حضور در دو دانشگاه آویا و واشنگتن استیت آمریکا برای فرصت مطالعاتی و همین‌طور تحصیل در دانشگاه مک گیل کانادا و البته کنفرانس‌های بین‌المللی این فرصت را ایجاد کرد که بتوانم با اساتید معتبر دنیا وارد ارتباط شوم و از آن‌ها برای همکاری با دانشگاه دعوت کنم که در این رابطه در یکی از دوره‌هایی که مدیر گروه بودم با دانشگاه مک گیل تفاهم‌نامه امضا شد. این ارتباط برای دانشجویهای دکتری، همچنین اعضای هیئت علمی دانشکده مفید بود و آن‌ها هم توانستند از این تعامل علمی استفاده کنند.

این بانوی فرهیخته همچنین راهنما و مشاور بیش از ۱۶۰ رساله دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد و سه دانشجوی پسادکتری نیز بوده و در تدوین بیش از ۱۰ استاندارد ملی در صنعت غذا مشارکت داشته است.

+ دانشجویها دست‌پخت‌م را خورده‌اند

نمی‌شود در دانشگاه کشاورزی قدم زد و قدرشناسی و احترام به دکتر شهیدی را در رفتار دانشجویان ندید. خیلی‌ها



زنی که نامش در ستاره ناهید ثبت شد

آذر اندامی

چهار آذرماه دیگر که باید، یک قرن از تولد آذر اندامی در محله ساغری سازان رشت می‌گذرد. حتما در آن روز اهل خانه و بعدها اهالی محله دختر کوچک را که می‌دیدند، گمان نمی‌کردند روزی برسد که به علت کارهای ماندگار آذر، نامش تا آسمان هم برود و روی یکی از حفره‌های سیاره ناهید ثبت شود. می‌نویسم حتما چون وقتی آذر مدرک سال نهم را از دبیرستان فروغ رشت گرفت، پدرش با ادامه تحصیل او مخالفت کرد و قرار شد برود دانشسرا و بعد هم مثل بیشتر زنان درس خوانده آن دوره معلم شود. همین‌طور هم شد. آذر سال ۱۳۲۴ از دانشسرا فارغ التحصیل و در سال ۱۳۲۵ معلم شد اما معلم نماند و داستانش همین‌جا تمام نشد. چهار سال بعد به صورت متفرقه امتحان داد و دیپلم طبیعی گرفت و سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده پزشکی تهران شد. شش سال بعد، آذر اندامی خانم دکتری بود که می‌خواست تخصص زنان و زایمان بگیرد اما پس از گرفتن تخصص، وارد انستیتو پاستور شد. کمی بعد به پاریس رفت تا مدرک باکتری‌شناسی بگیرد. تا اینجا هنوز هم می‌شد داستان آذر اندامی ساده باشد، داستان تلاش بدون وقفه زنی برای یاد گرفتن. هنوز این داستان خاص نشده بود تا



شروع سال‌های وبا در ایران. در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ خورشیدی بیماری شبه وبای التور در ایران و بسیاری دیگر از کشورهای شیوع پیدا کرد. در آن شرایط، تنها راه پیش‌گیری، تزریق واکسن وبا قبل از ابتلا به بیماری بود و در آن زمان تنها مرکز تهیه واکسن در ایران انستیتو پاستور بود که تمام امکانات آن در اختیار آزمایشگاه میکروب‌شناسی قرار گرفت. کارکنان مرکز با ریاست آذر اندامی شروع به کار کردند و سرانجام، او توانست واکسن وبای التور را بسازد. اینجا بود که داستان همه تلاش‌های او معنایی بزرگ یافت، معنایی بیشتر از یک زن موفق یا تحصیل کرده بودن، معنایی به اندازه جلوگیری از مرگ و میر هزاران انسان در ایران و سایر کشورهایی که این واکسن را دریافت کردند.



ریحانه عامل‌نیک خبرنگار

یادی از نوشین دخت نفیسی، نخستین زن پژوهشگر ایران هم‌نشین کلمه و کتاب

هنگامه



سحر معلمی



توی مطبخ، عطر دارچین پیچیده و نفس‌سماور گرم است. زن با دامن چین‌دار روی ردیف کاشی‌های آبی پهن‌شده کنار پاشویه حوض می‌چرخد و یک لالایی غریب را زمزمه می‌کند، یک لالایی که در هیچ کتابی نیامده اما گمان می‌کند هزار سال است کسی آن را توی گوش‌هایش نجوا کرده است، آن قدر که دیگر نمی‌پرسد کی، کجا و چطور آن را یاد گرفت. خیلی چیزها در زندگی مثل همین لالایی است. آدم نمی‌داند از کجا آمده است اما احساس می‌کند همه عمر با آن‌ها زندگی کرده است و این حس همان هویت و پیشینه است که انگار مثل خون، مثل دی‌ان‌ای، از نسلی به نسلی منتقل می‌شود. دکتر نوشین دخت نفیسی این لالایی را خوب از بر شده بود، زمزمه‌ای که از پدر نامدارش سعید به او رسیده و سعید از پدرش ناظم‌الاطباء به ارث گرفته بود. در این میان، دختر میراث‌دار خوبی برای هر دوی آنان شد، چندان که بعدها لقب «نخستین زن پژوهشگر ایران» را از آن خود کرد. نوشین دخت خودش در جایی می‌گوید روایت راه پدرش و تماشای عملکردش، مثل لالایی‌ای بوده که هر روز در سراسر دوران کودکی با چشم‌ها و گوش‌هایش در میان گذاشته می‌شده است. اما نخستین پژوهشگر زن ایران بهار ۱۳۰۹ از یکی از کوچه‌های زیبا شده از اقاق و اردیبهشت به دنیا آمد و بعدها پس از پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۳۱ خورشیدی از دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی فارغ التحصیل شد. سپس به عنوان دانشجوی به کلکته رفت تا پشت میز کلاس‌هایی بنشیند که استادانش دروس فرهنگ و تمدن باستانی را تدریس می‌کنند. بعد از پایان دوره دانشگاه و گرفتن دکترادر هند هم به فرانسه می‌رود تا در آنجا دانشجوی زبان و تمدن فرانسه باشد در دانشگاه پاریس. نوشین دخت هم چنین دوره تخصصی موزه‌شناسی و کتاب‌شناسی را در یونسکو، روابط عمومی را در انگلستان و ادبیات فرانسه را در پاریس می‌گذراند تا با دست پر به ایران بیاید و بشود یکی از کارمندان وزارت فرهنگ و هنر. اما کنار همه این‌ها، نوشین دخت کاشف یک دنیای جدید بود. دنیایی که کنج کتابخانه‌ها و در تورق متون مختلف و اسناد متفاوت و بررسی آثار محققان پیدا کرده بود، گنجی که حکم گوهر شب چراغ را برایش داشت، در تاریکی‌های ندانستن، و چه چیزی زیباتر از رمزگشایی از کلمات برای پیدا کردن روایتی تازه از موضوعی ناشناخته؟ این سرآغاز پژوهش‌های اوست، پژوهش‌هایی که اغلب در حوزه تاریخ هنر و ویژه موزه و موزه‌داری رنگ می‌گیرند. این دامنه وسیع اطلاعات او را در کنار تدریس در دانشگاه‌های مختلف ایران مانند تهران، فارابی و هنر سبب می‌شود پانزده سالی را هم در موزه ایران باستان به عنوان کارشناس موزه باقی بماند. «موزه‌داری»، «حضور طبیعت در مجموعه چینی‌های آبی و سفید آستان شیخ‌الدین در اردبیل» و «ابن خلدون و تیمور لنگ» از تألیفات این پژوهشگر محسوب می‌شود. او حالا ۱۰ سال است که چشم‌های جست‌وجوگرش روی کتاب‌ها و اسناد و مقالات مختلف برق نمی‌زند و آن دو ستاره روشنش خاموش اند اما نامش مانده است. جاودان کنار همان کلماتی که سال‌ها برای پیدا کردن و کنار هم چیدنشان در مقاله‌های بسیار کوشید.

هنر، مرهمی برای روح پژوهشگر

فرزانه فرخ‌فر استاد دانشگاه هنر در مشهد از معدود کسانی است که هنر را هم راستا با پژوهش در این حوزه پیش می‌برد. او با خود و انگیزه درونی‌اش عهد کرده است تا جایی که توان دارد به اعتلای هنر اسلامی ایران و انگیزه‌ای که نفس‌های تازه‌ای را در دانشجویان نسل جدید می‌کشد کمک کند. سابقه پژوهشی‌اش به حدود شانزده سال می‌رسد. شمار مقالاتی که تاکنون نوشته از دستش در رفته است اما همین قدر کافی است که علاوه بر مقام‌های متعدد منطقه‌ای که تا این زمان کسب کرده است، بر اساس فعالیت‌های پژوهشی‌اش در پنج سال گذشته، سال ۹۸، وزارت علوم او را به عنوان پژوهشگر برگزیده کشور در گروه هنر و معماری انتخاب کرد. او در سال ۱۴۰۰ نیز در گروه هنر و معماری، برگزیده جایزه زن و علم (جایزه مریم میرزاخانی) از سوی معاونت فرهنگی وزارت علوم و معاونت امور زنان ریاست جمهوری در دولت دوازدهم شد.



دنیا در حال نظاره ماست

دکتر زرین اسحاقی استاد دانشگاه پیام‌نور مشهد تاکنون ۱۴۰ مقاله نوشته است. همین مقالات استنادهای زیادی داشته و چندین بار در همایش‌های مختلف حائز عنوان برتر شده است. سال ۲۰۰۸ یک سایت علمی بسیار معتبر رأی‌گیری‌ای جهانی در شاخه‌های مختلف علوم و عنوان «دانشمند خوش‌فکر» برگزار کرد. دکتر اسحاقی حتی در این مسابقه شرکت نکرده بود و روحش هم خبر نداشت که در شاخه علوم طبیعی به عنوان اولین نفر برگزیده شده است. هر چند سال یک بار، دانشگاه استنفورد آمریکا براساس شاخص‌هایی علمی که مهم‌ترین آن‌ها نمود کارایی علمی یک پژوهشگر است، همه علوم و پژوهشگران را رتبه‌بندی می‌کنند که در سال ۱۴۰۰ این بانوی فرهیخته جزو فهرست ۲ درصد دانشمندان برتر شیمی دنیا شد.





بی‌بی‌جان، مادر صدها داماد!

مادران شهید قهرمانانی که گمنام باقی ماندند



شهربانو

۲۳ شهریور
۲۱ آذر ۱۴۰۱
۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۴
شماره ۳۸۳۳

(۷)

«لباس دامادی اش آماده بود. جهیزیه عروستش را چیده بودیم که خبر شهادتش را برایمان آوردند و حالا شده‌ام مادر پسرانی که می‌خواهند ازدواج کنند و عروستشان جهیزیه ندارد.» این‌ها سخنان یک مادر شهید بود. این شهر کم ندارد مادرانی که در گمنامی نیکوکارترین‌های شهر و محله‌اند.

بی‌بی‌جان خواتی، مادر صدها داماد مشهدی، که حجله دامادی‌شان را به یاد محمود، پسرش، برپا و روانه خانه بخت کرد. در محله از هر کسی سراغش را بگیرید، بی‌شک او را بانویی نیکوکار می‌دانند که سبک زندگی اش الگوست. مسجد محله هر ماه شاهد چیدمان جهیزیه‌هایی جدید برای نو عروسان بود. اهالی محله خاطرشان هست شور و نشاط واقعی که در محفل دختران و پسران «بی‌بی‌جان برپا بود. محمود که رفت جبهه، برایش زن عقد کردند و خانه‌ای نقلی در همان کوچه برایش خریدند. همه چیز مهیا بود، اما تقدیر این بود که بی‌بی‌جان او را در کنار عروستش در آن خانه نبیند. تقدیر این بود که آرزوهایش را به جای محمود برای اکبر، اصغر، علی، محمد، صادق، داوود، حسین و صدها پسر دیگر برآورده سازد، شاید مرهمی بر قلب بی‌قرارش باشد. مثل همه مادران شهیدان، وقتی کسی از احوالش پرسید، گفت «همه چیز خوب است» و از داغ محمودش و پسر دیگرش که از جانبازان دفاع مقدس است، گله نداشت. او هم مثل بسیاری از مادران و پدران شهیدان این شهر، چشمداشت مادی نداشت و تنها ثبت معنوی شهیدش برایش ارزشمند بود. خوب دقت کنید. بسیاری از کوچه‌های شهرمان به نام شهیدان است، اما شاید کمتر مادران و بی‌بی‌جان‌های شهرمان را شناخته باشیم، گمنام زندگی کردند و گمنام چشم از جهان بستند و رسم و راه زندگی‌شان هم در جایی ثبت نشد. جانم برایتان بگویم در این شهر، فقط شهید گمنام نداریم. «مادر شهید گمنام» هم بسیار داریم، مادرانی که برای مشهدی‌ها در گمنامی مادری کردند. جست‌وجومی کنیم «شهید محمود خواتی». روی صفحه، فقط نشانی یک کوچه می‌آید در محله مصطفی خمینی. هیچ نشانی از این شهید و مادرش پیدا نمی‌شود! بی‌بی‌جان رخت دامادی پسرش آماده بود که خبر شهادتش را آوردند. به آن روزها برمی‌گردم، به همان کوچه که خانه‌ای برای محمودش خریده بود و جز یک پلاک کوچه چیزی نمی‌یابم. گشتم، نبود. نگردید، نیست! از این شهید و مادر گران قدرش عکسی پیدا نمی‌شود.

بانوی بصیر خراسان

استاد منور شایسته خوی، از شاگردان تربیت یافته توسط استاد «فاطمه طاهایی» است که از سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شد و پس از سال‌ها تربیت پژوهشگران معارف اسلامی هم اکنون مدیرسه علمیه نرجس^(ع) در مشهد است. خانم منور شایسته خوی، موفق به کسب عنوان «مبلغ برتر در عرصه گفتاری و شنیداری، گرایش منبر و خطابه بانوان» شده و در همایش «بانوی بصیر» به عنوان یکی از پنجاه زن برگزیده کشور، مورد تقدیر قرار گرفت.



نیم رخ هنر هفتم

سینمای ایران برای همیشه مدیون نادیده گرفتن بانوان شاخص خواهد بود

تپ



ملیحه جهانبخش
خبرنگار

بانویی سوار بر اسب و بزوبه دست که در میان سواران می‌تاخت و یک‌تنه در دفاع از رعیت و خاک و وطنش سرآمد دیار بختیاری بود. این تصویر زنی بود که سال ۱۳۹۸ در سریالی به نام «بانوی سردار» از تلویزیون پخش شد. سرگذشت زنی به نام بی‌بی مریم بختیاری یکی از زنان قهرمان این مرز و بوم که پس از سال‌ها پژوهش، زندگی‌اش در قالب روایت داستانی (هرچند از سوی برخی مورخان و پژوهشگران تاریخی در بعضی قسمت‌ها مورد انتقاد قرار گرفته بود) از شبکه سوم صدا و سیما پخش شد. سردار مریم بختیاری چنان نقش پررنگ و اثرگذاری در تاریخ این سرزمین دارد که محمدابراهیم باستانی پاریزی، تاریخ‌دان، نویسنده و پژوهشگر، درباره او نوشته است: در این کوهستان زنی می‌زیسته که برابر صد مرد، در سرنوشت تاریخ معاصر ایران دخیل بوده‌است. منظورم بی‌بی مریم بختیاری است.

با نگاهی به تاریخ پرفراز و نشیب این مرز و بوم بی‌بی مریم بختیاری تنها یکی از زنان شاخصی است که شجاعت، وطن‌پرستی و زندگی‌اش در آثار مورخان و پژوهشگران تاریخی نقل شده است. برای معرفی این شخصیت اثرگذار تاریخی به عنوان یک بانوی قهرمان ایرانی فیلمی از زندگی او ساخته شده و برای مخاطب به نمایش درآمده است. اگر در این زمینه به آثار تولیدی سینمایی، سریال‌های تلویزیون و سریال‌های نمایش خانگی بپردازیم، با فقدان قابل توجهی مواجه می‌شویم که در این آثار نقش قهرمانان زن ایرانی و معرفی آنان بسیار کم‌رنگ است. اگرچه در این سال‌ها در برخی از آثار تلاش شده است زنان قهرمانان برخی داستان‌ها باشند، این قهرمان‌ها بیش از اینکه بر اساس مستندات تاریخی و واقعیت‌ها نقش‌آفرینی کنند یا بر اساس پژوهش‌های تاریخی و مستندات دقیقی باشند که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... کشورمان اثرگذار بوده‌اند، بیشتر زاینده ذهن خلاق نویسندگان و فیلم‌سازان ایرانی هستند. برای نمونه، در سریال خانگی شهرزاد، اگرچه تلاش شد شهرزاد زنی قهرمان و مبارز باشد، بیشتر معشوقه‌ای بلا تکلیف بود یا در سریال خاتون که در ژانر عاشقانه تاریخی ساخته شده بود و روایتگر زندگی خانواده‌ای در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین بود، باز هم خاتون در عین مبارز بودن بیشتر نقش معشوقه‌ای مبارز در سایه مردان را داشت! یا اگر راه دوری نرویم، در سریال جیران، اگرچه زنی محور داستان است که تلاش می‌کند برای رعیت کاری انجام بدهد، بیش از مبارز بودن درگیر نقش زنانگی میان حرمسرای ناصرالدین شاه است. البته در این سال‌ها فیلم‌هایی مانند «شیار ۱۴۳» داستان سال‌ها چشم‌انتظاری مادر یک شهید مفقودالاثر ساخته مریم آیار تلاش خوبی برای نشان دادن زنان مظلوم قهرمانی است که سال‌ها در گمنامی زیسته‌اند اما به نظر می‌رسد با فقدان جدی در آثار سینمایی و سریال‌های تلویزیون و نمایش خانگی درباره بانوان قهرمان ایرانی مواجه هستیم. شاید این روزها نسل جدید جیران ناصرالدین شاه را خوب بشناسد اما درباره زنانی که در آزادسازی خرمشهر یک‌تنه ایستادند و مقاومت کردند، نامی را نتواند بر زبان بیاورد! شاید فرنگیس حیدرپور، خدیجه عابدینی، مریم امجدی و بی‌شمار زنانی را که نامشان در پژوهش‌های تاریخی جنگ می‌درخشد کسی نشناسد. نکته قابل تأمل اینجاست که ما در فیلم‌هایمان به بانوان قهرمان ساختگی و تخیلی نیاز نداریم وقتی در جای جای این وطن هر گوشه‌اش بانوی قهرمانی زندگی می‌کند یا خاطراتی از او به جای مانده است که می‌تواند در آثار سینمایی و تلویزیونی به آن پرداخته شود.





شهردار

زندگی با کلماتی که عاشق شده‌اند

سهیلا دیزگلی از آمیختن شعر و رنگ می‌گوید

شعر گفتن مثل باز کردن دست‌ها به دو طرف و کودکانه راه رفتن بر لبه جدولی است در خیابانی طولانی. فصل‌ها و رنگ‌ها در این خیابان به سرعت برق و باد عوض می‌شوند. گاه حال شاعر بهار است و گاه پاییز. گاه در یک روز، هم زمستان است و هم تابستان! شاید این حال و احوال رنگارنگ را سهیلا دیزگلی، شاعری که نقاش است و دل سپرده به جهان نقش‌ها و طرح‌ها و قلم‌موها، بیش از دیگران حس کند. دنیای او مجهز به کلمات است و تصاویر، آغشته به رنگ و آکنده از خیال. شعرهایش شبیه نقاشی‌هایش هستند و نقاشی‌هایش شعرهایی جان‌دار و زیبا با همان وهم‌ها و سایه روشن‌های موزون. دیزگلی متولد بهمن ماه ۱۳۵۹ است. خودش می‌گوید: مادرم همیشه تعریف می‌کند وقتی همه جمع بودیم، یک دختر بچه ریزه‌میزه با مدادرنگی‌هایش نقاشی می‌کرد. همه جا: کنار باغچه، توی عروسی، مهمانی. می‌گوید: من در نوجوانی، حدود پانزده سالگی، با یک معجزه سرنوشت‌ساز در زندگی شخصی‌ام رویه‌رو شدم و آن کتاب بود. اگر کتاب‌ها و شوق خواندن نبود، من هم نبودم. آن روزها بسیار عاشق نقاشی بودم و تئاتر. شبکه ۴ تله‌تئاتر خوبی می‌گذاشت. من با لذت نگاه می‌کردم اما در منطقه ما دسترسی به تئاتر وجود نداشت و من به

همان نقاشی بسنده کردم. چند سال بعد وارد دانشگاه هنر شدم و تقریباً ۱۰ نمایشگاه نقاشی گروهی و ۱۰ نمایشگاه انفرادی کار کردم. لیسانس را در فردوس مشهد و فوق لیسانس را از دانشگاه سوره تهران گرفتم. بعد برگشتم مشهد و تا امروز در کنار ادبیات و شعر و نقاشی زندگی کرده‌ام. گاهی از من می‌پرسند از میان شعر و نقاشی کدام برایم عزیزتر است. می‌گویم من این دو قلوهارا دوست دارم. هر دو را به یک اندازه دوست دارم. سهیلا دیزگلی مدرس دانشگاه و پژوهشگر نیز هست. او در دانشگاه فردوس مشهد تدریس می‌کند و در سال ۹۷ کتاب پژوهشی «بحران مخاطب در هنر معاصر» از او به چاپ رسیده است. مجموعه شعر این شاعر هنرمند نیز «ما در دندان‌هایمان حبس بودیم» نام دارد. دیزگلی این روزها در کنار تدریس و پژوهش، در گالری کوچکش «بن بست» ساعت‌ها پایه‌پای هنرجویان جوان مشغول می‌ایستد و تجربیات ارزشمندش را از نقاشی و طراحی و از عالم هنر و ادبیات با آن‌ها به اشتراک می‌گذارد. در پایان، شعری از او را با هم می‌خوانیم.

این نور با این سقف کوتاه مشکل دارد
سقف باید بلند باشد
مثل قامت تو
وقتی که از راه می‌رسی
و مهتابی خراب را درست می‌کنی

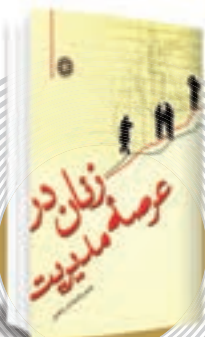
راه‌های رفته و نرفته

برای رفع مشکلات بانوان باید به طور پیوسته مسائل را پایش کرد



کتاب «زنان در عرصه مدیریت» نوشته شمس‌السادات زاهدی است که مرکز نشر دانشگاهی آن را در حجم ۲۶۲ صفحه به انتشار رسانده است. این کتاب در شش فصل شامل پیشینه وضعیت زنان ایران، مبانی نظری، روش‌شناسی، چهارچوب مفهومی، بررسی الگوی نظری تحقیق با دید تحلیلی و نتیجه‌گیری و پیشنهادها تنظیم و نگاشته شده است. مؤلف در پیشگفتار اظهار داشته است که مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین ابزار دستیابی به رشد و توسعه، تأمین منابع نیروی انسانی کارآمد و شایسته است. هرچند در دنیای امروز امکان دسترسی به آموزش و پرورش و تحصیلات عالی حضور زنان را در مشاغل مدیریتی، با توجه به افزایش دانش، تخصص و قابلیت‌های آن‌ها میسر کرده است، تفکر مبتنی بر ارزیابی غیرمنصفانه از تفاوت‌های زیستی زنان و مردان و تعمیم آن به حوزه‌های کاری موجب شده است مشارکت زنان در مشاغل مدیریتی و مواضع تصمیم‌گیری بسیار محدود شود و نقش مدیریتی زنان در جوامع مختلف بسیار کم‌رنگ باشد. این امر نشان‌دهنده تقسیم ناعادلانه کار و سهم نامتناسب زنان در احراز مشاغل مدیریتی است. موضوع مشارکت زنان در مشاغل مدیریتی بسیار با اهمیت است زیرا اولاً استفاده از توان بالقوه و دانش این نیروی عظیم، ضمن آنکه امکان‌پذیرتر و بهتری براساس شایستگی در سطوح مدیریتی فراهم می‌آورد، موجب می‌شود جامعه از همه‌توان علمی و انسانی خود برای رشد و توسعه بهره‌مند شود. این، خود، یکی از شرایط مهم توسعه فراگیر به شمار می‌آید، چه توسعه فراگیر نیازمند مشارکت فراگیر است. ثانیاً نیاز به پیشرفت، ترقی و خودشکوفایی از نیازهای روانی هر انسانی اعم از زن و مرد است. انگیزه پیشرفت و ارتقا و فراهم بودن امکانات آن در محیط کار، ضمن اینکه از عوامل مهم رضامندی شغلی شمرده می‌شود، نقش بسیار مهمی در خودسازی، افزایش توانمندی‌ها، شکوفایی استعدادها و در نهایت تعالی، تکامل و توسعه فردی دارد.

کتاب «زنان در عرصه مدیریت» حاصل یک پژوهش میدانی است. نگارنده در پژوهش حاضر سعی کرده است وجود نابرابری را در عرصه‌های مدیریتی کشور ایران شناسایی و پیشنهادهایی برای حل آن عرضه کند. نتایج این تحقیق پیمایشی از فاصله زیاد میان هدف‌های توسعه‌ای و واقعیت‌های عینی جامعه حکایت دارد. به نظر مؤلف، این موضوع اولاً از اولویت‌های جامعه است. دوم، عوامل آن قابل شناسایی است و سوم، معضلی حل‌شدنی است.



زنان در عرصه مدیریت
نویسنده: شمس‌السادات زاهدی

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق



نخواهد بود. تنها در صورتی که در سند ازدواج این التزام درباره پدرشوهر ثبت شده باشد این امکان وجود خواهد داشت.

نخله چیست؟ در چه صورت به زن تعلق می‌گیرد؟

نخله به معنی بخشش و هدیه است و زمانی که زوج خواهان طلاق باشد و زوجه مستحق اجرت‌المثل نباشد، بابت کارهایی که در منزل شوهر انجام داده و کارهای خارج از وظیفه قانونی او بوده است، دادگاه مبلغی را به عنوان نخله مشخص می‌کند که زوج باید به زن بپردازد.

آیا گرفتن مهریه بعد از ازدواج مجدد ممکن است؟ همسر سابق برادرم بعد از طلاق درخواست مهریه کرده است.

حق گرفتن مهریه بعد از ازدواج مجدد از بین نمی‌رود. بنابراین مانعی برای دریافت مهریه نخواهد بود و زوج در صورت مطالبه همسرش، باید مهریه او را پرداخت کند.

آیا می‌توان مهریه را از پدر همسر مطالبه کرد؟

پرداخت مهریه بر عهده شوهر است. حتی در صورتی که شوهر مالی نداشته باشد ولی پدر او تمکن مالی زیادی داشته باشد، ملزم به پرداخت مهریه